



ارزیابی الگوی کیفری ایران در جرایم جنسی

یوسفعلی یزدانی^۱، محمدحسین زاهدیان^۲

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد . yazdani_law@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی . mohamadhosseini.zahedian@yahoo.com

چکیده :

برخورد سزادهنده و کیفر مدار در قبال جرایم جنسی با رویکرد بازدارندگی، الگوی غالب در سیاست گذاری های تقنینی در این حوزه است . این رویکرد در دوران مختلف قانونگذاری مینا و پایه سیاست های تقنینی بوده و مواردی همچون جرم انگاری جرایم خرد جنسی ، اعمال مجازات های شدید و سخت گیرانه ، لغو نهادهای ارفاقی و گسترش دامنه جرایم جنسی ، را می توان از جلوه های آن دانست . حاکمیت احکام جزایی اسلام بر مقررات جزایی و حساسیت ها و واکنش های اجتماعی در ارتباط با این گروه از جرایم موجب تأثیر پذیری سیاست های تقنینی از رویکرد سزاگرایانه حاکم در فقه و جانشینی سیاست های عوام گرایانه بر سیاست های سنجیده و علمی شده است . در این میان رویه قضایی سعی دارد تا از این رویکرد فاصله گرفته و موازنه ای میان سیاست های سخت گیرانه با رویکردهای اصلاحی و درمانی با استفاده از ظرفیت های ترمیمی در واکنش به جرایم جنسی ایجاد نماید .

کلید واژگان :

الگوی کیفری، جرایم جنسی، سیاست جنایی تقنینی ، سیاست جنایی قضایی، سیاست کیفری.

مقدمه:

جرایم جنسی از جمله جرایمی هستند که قدمتی به ازای عمر بشریت دارند . جرم جنسی در ادوار مختلف وجود داشته و ارتکاب آن جامعه را به واکنش و می دارد که این واکنش همواره در قالب کیفر بوده که در هر دوره به اقتضاء شرایط خاص آن از شدت و ضعف برخوردار است . سیاست جنایی کشورمان در رویارویی با این گروه از جرایم ، با بهره گیری از سیاست جنایی اسلام الگوی کیفری را برگزیده است . در این الگو از میان سه مدل سزادهنده ، اصلاح و درمان و ترمیمی ، غلبه با مدل سزادهنده با رویکرد بازدارندگی است . این رویکرد چه در مقررات پیش و چه در مقررات پس از انقلاب وجود داشته لیکن با پیروزی انقلاب اسلامی و حکومت مقررات فقهی ، این سلطه فزونی یافته است . با پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم انطباق قوانین جزایی با مقررات شرعی ، برخی رفتارهای جنسی که تا پیش از آن جرم نبوده یا از مجازات سبک تری برخوردار بودند جرم انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شد و در سایر موارد هم مجازات شرعی جایگزین گردید . از سویی دیگر تحت تأثیر برخی حوادث و اتفاقات در سطح جامعه ، رویکرد عوام گرایی به سیاست های کیفری رخنه نمود و به این ترتیب بر شدت واکنش ها افزوده است .

در نگاه اول بنظر می رسد که الگوی کیفری حقوق ایران در برخورد با جرایم جنسی در نگاه اول مبتنی بر سیاست سزادهنده با رویکرد بازدارندگی است ، با این وجود با وضع قواعدی همچون توبه، درء الحد، پیش بینی پرداخت خسارت به بزه دیده در موارد خاص مبانی و ظرفیتهای مدل اصلاح و درمان و ترمیمی نیز در آن دیده می شود .

سیاست جنایی تقنینی و قضایی در حوزه جرایم جنسی از الگوی یکسانی بهره نمی گیرند و در عمل رویه قضایی چندان به سیاستهای تقنینی پایبندی نداشته و در مواردی از آن عدول می کنند. با این وجود عواملی چون عوام گرایی کیفری، رسانه ای شدن موضوع جرم، ویژگی های خاص بزه دیده یا بزهکار در گرایش سیاست جنایی قضایی به الگوی سزادهنده تأثیر بسزائی دارند و به رغم سیاست های کیفری سخت گیرانه آمار جرایم جنسی حکایت از موفقیت نه چندان الگوی کیفری حاکم بر جرایم جنسی دارد .

۱-جرم جنسی:

اعمال و رفتار جنسی به دلیل گستره و انواعی که دارد تعریف آنرا با دشواری مواجه می سازد و به همین جهت هم نه تنها در مقررات داخلی ما بلکه در قوانین برخی از کشور ها از جمله انگلستان که بطور مشخص قانون «جرایم جنسی» را در سال ۱۹۵۶ تصویب نموده از این جرم تعریفی ارائه نشده است .



با تحقیق در منابع قانونی و علمی داخلی تعریف جامع و مانعی از جرم جنسی تحصیل نمی شود. رویه قانونگذار ما حکایت از عدم تعریف این جرم و اکتفاء به بیان مصادیق آن دارد و باید از راه مصادیق، معنا و مفهوم جرم را دریافت. در تعاریف ارائه شده از این جرم آمده است؛ «جرم جنسی رفتار جنسی خارج از چهارچوب ازدواج است که از نظر قانونگذار ممنوع است» (محمدی جورکویه، ۱۳۸۹، ۲۴) «هرجرمی که مستلزم رابطه جنسی یا هر عمل دیگری باشد، جرم جنسی نامیده می شود» (نوربها، ۱۳۸۹، ۲۹). در تعریفی که به نظر جامع تر از تعاریف گذشته باشد آمده است؛ «جرم جنسی عبارت است از هرگونه عمل با ماهیت جنسی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است». در این تعریف عمل مجرمانه که توسط قانونگذار منع و مستوجب مجازات شناخته شده در ماهیت و نفس خود عملی است که به غریزه و شهوت جنسی مرتبط است و در واقع به نوعی از ماهیت جنسی برخوردار است و در نتیجه بنا به این تعریف هر عملی که منشأ جنسی و شهوانی داشته و قانونگذار آنرا منع نموده باشد، مصداق جرم جنسی است.

۲- سیاست جنایی:

دلماش مارتی دانشمند فرانسوی به بررسی این مفهوم پرداخته و با توجه به تحولات صورت گرفته با تجدیدنظر در اندیشه فوئر باخ، سیاست جنایی را مجموعه روش ها و آئین هایی می داند که هیأت اجتماع با استفاده از آن پاسخ های مختلف به پدیده مجرمانه را سامان می بخشد. بر این اساس مفهوم سیاست جنایی گسترش یافته و دیگر محدود به واکنش در قبال جرم نیست و انحراف را نیز در بر می گیرد و این واکنش ها صرفاً پاسخ کیفری ناشی از نظام جزایی نیست و دیگر نظام های حقوقی مانند نظام حقوق مدنی، مالیات، اداری و غیره نیز به تناسب نسبت به جرم یا انحراف واکنش نشان می دهند و در این بستر پاسخ به پدیده مجرمانه از حالت رسمی و دولتی خارج شده و علاوه بر پاسخ های دولتی، جامعه مدنی نیز به اشکال مختلف در آن دخالت دارد. آنچه که در کارآمدی یا ناتوانی سیاست جنایی در مواجهه با جرم و کاهش نرخ آن تأثیر گذار است بهره مندی از سیاست کیفری مناسب و استفاده از ظرفیتهای سایر نهادهای حقوقی است.

۳- سیاست کیفری:

سیاست کیفری مهمترین لایه سیاست جنایی است. آنگونه که بیان شد سیاست جنایی در مفهوم مضیق خود در سیاست کیفری تجلی می یابد و مجموعه قواعد و مقررات کیفری است که بوسیله قانونگذار بر حسب اقتضات زمانی و مکانی در برخورد با جرم، تدوین می گردد. در تعریف سیاست جنایی تقنینی آمده است؛ سیاست جنایی تقنینی، تدبیر قانونگذار در مورد واکنش علیه جرم است که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور تدبیر قانونگذاران مختلف نسبت به واکنش عملی به پدیده مجرمانه با لحاظ حالت های گوناگون هر کشور ترسیم می گردد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸، ۵۱۵) از مجموع اقدامات و شیوه هایی که تا کنون در مواجهه با جرایم اتخاذ شده می توان الگوی کیفری در قبال جرایم را تحت سه رویکرد سزادهنده، اصلاحی - درمانی و ترمیمی مورد بررسی قرارداد. سیاست کیفری در دو حوزه تقنینی و قضائی قابل بررسی است. «سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می گیرد» (قیاسی ۱۳۸۵، ۲۹).

۴- الگوی کیفری حاکم بر جرم جنسی

با پیروزی انقلاب اسلامی و با حکومت اصل ۴ قانون اساسی و لزوم انطباق مقررات کشورمان با نظام حقوقی اسلامی، قانونگذاران مجلس شورای اسلامی به تبعیت از مقررات فقهی و به همان شیوه و سیاق کتب فقهی، جرایم جنسی مشمول حد را جرم انگاری نموده و برای آن مجازاتهای مقرر در شرع را در نظر گرفتند.

از اولین قانون مصوب در این خصوص که به قانون حدود و قصاص و دیات مصوب ۱۳۶۱ موسوم بود تا مقررات مصوب ۱۳۹۲ تغییر عمده ای در چگونگی برخورد با جرایم جنسی مشمول حد صورت نگرفت و تنها در جرایم جنسی تعزیری تغییراتی را می توان یافت. اما با تصویب و اجرایی شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغییراتی در اندیشه قانونگذار در حوزه جرایم مشمول حد نیز می توان یافت که با توجه به اینکه مقررات کنونی مبین الگوی کیفری و رویکردهای مدنظر مقنن در استفاده از این الگو است، نسبت به قوانین سابق بررسی خاصی نخواهد پذیرفت و این رویکردها در بستر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و نیز مقررات تعزیری مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

هرچند دستگاه قضایی و قضات محاکم کیفری الزام به تبعیت از مقررات و اجرای قوانین مصوب قوه مقننه دارند و تصور تعارض و تضاد میان سیاست های کیفری تقنینی و قضایی دور از ذهن می نماید، اما در مسیر اجرای قانون و تفسیر و برداشت های قضات از قوانین و چگونگی اعمال



قوانین موجب شد تا موازی با سیاست های تقنینی، سیاست های قضایی شکل بگیرد. دستگاه قضایی در مقام اعمال قوانین با واقعیات عینی درگیر است و نواقص و کاستی های سیاست کیفری تقنینی در این مرحله ظهور می یابد و از اینرو قضاوت کیفری بدنبال رفع این نواقص تفسیرها و برداشت های خود را اجرایی می کنند. از سویی دیگر اختیاراتی که قانونگذار در اجرای قانون و وضع مجازات به قاضی داده است این امکان را به قاضی می دهد تا با بهره گیری از تمام ابزارها و امکانات موجود علاوه بر رعایت الزامات قانونی با لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و اوضاع و احوال جرم و خصوصیات بزهکار و بزه دیده با تعدیل و تشدید قوانین جزایی میان سیاست های تقنینی و تناسب و توازن برقرار نمایند.

در سالهای اولیه پس از پیروزی انقلاب رویه قضایی نیز همسو با سیاست های تقنینی، سیاست های سخت گیرانه و سزادهنده را ملاک عمل خود قرار داده بود اما در سالهای اخیر و تحت تأثیر اقتضات اجتماعی و شرایط حاکم بر آن به تدریج خود را از همراهی با سیاست های تقنینی بازداشت و با وجود غلبه رویکردهای سخت گیرانه و سزادهنده در قوانین و مقررات جزایی در برخورد با جرایم جنسی بویژه جرایم موجب حد، رویه قضایی چندان تمایلی به عملی سازی این رویکرد در تمام موارد نداشته و با استفاده از ظرفیت های قانونی که در اختیار دارد بیشتر سعی در پرهیز از اثبات جرایم جنسی بویژه جرایم موجب حد داشته و بدنبال آن بوده تا در صورت اثبات جرم با رعایت تناسب میان جرم و مجازات که از اهداف رویکرد سزاگرایانه است، ضمن لحاظ حقوق بزه دیده و ترمیم آسیب وارده بر او با فردی کردن مجازاتها میان رویکردهای سزادهنده و اصلاح بزهکار تناسبی منطقی برقرار نماید.

۵- الگوی کیفری ایران در جرائم جنسی در قوانین جدید:

سیاست های قضایی در مرحله اثبات جرم و تعیین مجازات بیشتر از شرایط و احوال حاکم بر زمان ارتکاب جرم، شخصیت بزه دیده و بزهکار و آثار اجتماعی آن متأثر بوده و به همین جهت در برخی موارد با توجه به شرایط خاص جرم ارتکابی و دامنه آثار آن سیاست های سخت گیرانه را اعمال و علیرغم سخت گیری های مقنن در ادله اثبات جرم، بواسطه علم قاضی جرم را محرز دانسته و به شدیدترین مجازات حکم نموده و در مقابل در مواردی که بزه ارتکابی چندان اثر اجتماعی نامطلوبی نداشته و دامنه آن محدود بوده یا در مواردی که شرایط خاص بزه دیده و بزه کار ایجاب نموده، در اثبات جرم و اعمال مجازات با مسامحه و تساهل برخورد نموده است.

۵-۱ سزاگرایی:

در نظام جزایی کشورمان مجازاتهای اعدام، رجم، شلاق، حبس و جزای نقدی برای جرایم جنسی و رفتار مجرمانه مرتبط با آن در نظر گرفته شده است.

بی تردید فلسفه مجازات های سالب حیات مانند اعدام و رجم، بهره گیری از کارکرد ارباب و بازدارندگی این مجازاتها است. وضع مجازاتهای سخت و کشنده ی اعدام و رجم می تواند افراد را از ارتکاب بزه بازدارد لیکن طبیعت این مجازاتها با حذف مرتکب، اصلاح و بازپروری او را منتفی می سازند. مجازاتهای دیگر همچون شلاق و حبس نیز این کارکرد را دارا هستند هرچند که در آن مجازاتها اصلاح و درمان مرتکب نیز علاوه بر کارکرد بازدارندگی ممکن است.

در حوزه مقررات شکلی نیز نشانه هایی از سیاست های سخت گیرانه وجود دارد، قائل شدن جنبه الهی و حیثیت عمومی بر جرایم جنسی که می تواند موجب ادعای عمومی شود، ضروری بودن تعقیب و عدم اختیار نهاد تحقیق در تعطیلی و تعویق تعقیب، اجازه انتشار تصویر مرتکبین جرایم جنسی موجب حد اعدام و عدم تعطیلی مجازات حدی از جمله نشانه های این رویکرد در مقررات آئین دادرسی کیفری است

۵-۱-۱ جرم انگاری حداکثری و تشدید مجازات :

جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن، قانونگذار یا هر نهاد مقتدر دولتی با در نظر گرفتن هنجارهای اساسی اجتماع و تکیه بر مبانی نظری قابل قبول با توسل به کیفر برخی از رفتارهای (ظاهراً) مخل نظم اجتماعی را شناسایی و ممنوع میکند و بدینسان، آزادی آدمیان را تحدید مینماید (نجفی ابرند آبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۰، ۹۰).

۵-۱-۲ سیاست تسامح صفر

تسامح صفر اصطلاحی در حقوق کیفری است که برای تشریح سیاست اجرای قانون موضوعه به صورت غیر اختیاری و غیر صلاحدیدی بکار می رود (جوآنمرد، ۱۳۸۸، ۳۵).



جرم انگاری بسیاری از فعالیت ها و قراردادن موارد متعددی از آنها تحت شمول عنوان مفسد فی الارض ، توسیع عنوان مجرمانه زنا به عنف و قراردادن مجازات اعدام برای آن و همچنین صالح دانستن دادگاه انقلاب برای رسیدگی به این جرایم است که نشان دهنده رویکرد سخت گیرانه قانونگذار نسبت به مرتکبان اینگونه جرایم است. (طاهری، ۱۳۹۲، ۱۶۸).

۳-۱-۵ لغو نهادهای ارفاقی

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی اخیر این نهادهای ارفاقی را در مورد جرائم منافی عفت ممنوع کرده است. بند پ ماده ۴۷ این قانون صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم منافی عفت و تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشاء و شروع به این جرایم را غیر قابل تعویق و تعلیق دانسته است .

همچنین بنا به تبصره ۲ ماده ۱۱۵ این قانون سقوط مجازات تعزیری درجه شش تا هشت و یا تخفیف در سایر جرایم تعزیری مشمول تعزیرات منصوص شرعی نمی شود .

مرور زمان در جرائم حدی جایگاهی نداشته و در مورد جرایم تعزیری نیز بحکم تبصره ۲ مورد اشاره شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی گردد . البته این نهاد و نیز تخفیف مذکور در سایر جرایم جنسی تعزیری که عنوان تعزیر منصوص شرعی نداشته باشند قابل اعمال است اما بخش اعظمی از جرایم جنسی را مشمول نخواهد بود .

۲-۵ اصلاح و درمان

بنا به ماده ۲۲۵ این قانون در صورت عدم امکان اجرای رجم در صورتی که این جرم به بینه ثابت نشده باشد ، مجازات رجم به صد ضربه شلاق تبدیل می گردد .

محدودیت در شرایط احصان ، تعیین اقل و اکثر در مجازات شلاق تعزیری و کاهش حداکثر آن از ۹۹ ضربه به ۷۴ ضربه شلاق، حذف مجازات پیرمرد و پیرزن زناکار قبل از رجم ، حذف مجازات تراشیدن سر و تشهیر، حذف مجازات تبعید در مرتبه اول جرم قوادی نیز از دیگر مصادیق این تغییر رویه هستند .

پیش بینی قاعده درأ و عدم اثبات جرم در اثر شبهه و تردید در شرایط تحقق جرم یا مسئولیت کیفری به شرح آنچه که در ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی آمده ، از جمله مهمترین عناوینی است که مبین عدم تمایل قانونگذار به اعمال و اجرای کیفر های سزادهنده است. این رویکرد در سیاست های قضایی هم به چشم می خورد ، پذیرش شبهه در جرایم مشمول حد ، کافی ندانستن گزارش ضابطان تردید در محکومیت شاکی به زنا در مواردی که شاکی مدعی زنا به عنف و اکراه است ، از جمله مواردی است که بیانگر رویکرد سهل گیرانه رویه قضایی است . در پرونده ای به حسب شکایت آقای ب.م از خانم ع . الف و آقای م. ش، خانم الف باتهام زنا محصنه و آقای ش باتهام زنا غیر محصن تحت تعقیب قرار می گیرند با این توضیح که شاکی ادعا دارد خانم الف در عقد موقت او بوده و در عین حال با آقای ش ازدواج نموده و با او ارتباط برقرار کرده است . خانم الف با رد ادعای شاکی اظهار داشته که به دلیل اختلاف میان آنها شاکی وی را از منزل بیرون رانده و با پرداخت بخشی از مهریه اش بقیه مدت را بذل کرده و وی نیز بعد از مدتی به عقد آقای ش درآمد است . علیرغم انکار بذل مدت از شوی شاکی ، شعبه اول دادگاه کیفری استان اردبیل این امر را موجب شبهه در امر زنا دانسته و باستناد قاعده درأ حکم بر براءت متهمین صادر کرده است . این رأی بموجب دادنامه شماره ۱۳۹۱/۱۱/۰۲-۹۱۰۰۷۶۶ صادره از شعبه ۶ دیوانعالی کشور تأیید و ابرام شده است . (مجموعه آراء قضایی، ۱۳۹۳، ۴۶۴)

۱-۲-۵ استفاده از مجازات های تکمیلی :

رویکرد سنجش و مدیریت خطر که از مفاهیم جدید کیفر شناسی است با به رسمیت شناختن گونه های مختلف مجرمان جنسی و تعیین میزان خطر هریک از آنها با استفاده از ابزارهای سنجش پاسخ های متفاوتی را در راستای کنترل و درمان آنان پیش بینی کرده است (عابدی نژاد مهرآبادی ، ۱۳۹۰، ۲۸۵).

وضع و اعمال مجازاتهای تکمیلی مانند منع مرتکب از اشتغال به حرفه یا کار معینی که ممکن است در گرایش فرد به ارتکاب جرم مؤثر باشد یا الزام به انجام خدمات عمومی ، یادگیری حرفه ، شغل یا کار معین یا تحصیل می تواند با شناخت شخصیت مرتکب و شرایط و اوضاع احوالی که او را به ارتکاب جرم سوق داده مجازات تکمیلی مناسبی را در کنار مجازات اصلی ترتیب دهد که اصلاح رفتار مرتکب و درمان و بازپروری او را ممکن نماید

۲-۲-۵ وضع نهادهای ارفاقی و پذیرش توبه و عفو



مبحث پنجم از فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی در بحث علل سقوط مجازات‌ها به توبه بزهکار اشاره دارد. توبه در جرایم جنسی موجب حد و نیز جرایم جنسی تعزیری غیر منصوص شرعی پذیرفته شده است. بنا به بخش اول ماده ۱۱۴ این قانون، هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌شود. ماده ۱۱۵ نیز توبه در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ را در صورت احراز ندامت و اصلاح مرتکب موجب سقوط مجازات و در سایر جرایم تعزیری (درجات ۱ تا ۶) نیز آنرا از موجبات تخفیف دانسته است. البته توبه در جرایم زنا، لواط به عنف و اکراه و یا با اغفال موجب سقوط مجازات حدی و تبدیل آن به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هردوی آنها می‌گردد. عفو نیز نهادی مشابه توبه و اقدامی در جهت اصلاح مرتکب و امکان بازاجتماعی نمودن او است

۳-۲-۵ جرم پوشانی

یکی از ویژگی‌های جرایم موجب حد تأکید بر بزه پوشانی و عدم ترویج و تبلیغ آن است این تأکید بویژه در جرایم جنسی ظهور بیشتری دارد تا بدین طریق از ترویج بی بند و باری و فحشاء جلوگیری شود. به تبع سیاست جنایی اسلام در اختفای جرایم موجب حد، قانونگذار نیز در آخرین اراده خود در حوزه جرایم جنسی، ستر و جرم پوشانی در جرایم جنسی موجب حد را تأکید می‌نماید.

مطابق ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت بطور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود و این بدان معنا است که دادسرا نسبت به این جرائم مجاز به تحقیقات مقدماتی نبوده بلکه تحقیقات مقدماتی و محاکمه توسط دادگاه انجام می‌شود و در این موارد دادگاه به ترتیب مقرر در ماده ۳۴۰ این قانون عمل می‌نماید. (خالقی، ۱۳۹۳، ۲۷۲).

۳-۲-۳ ترمیمی

رویکرد بزه دیده مدار یا ترمیمی که با هدف ارضای خاطر بزه دیده و جبران آسیب‌های وارده بر اوشکل گرفته چندان هم در مقررات جزایی کشورمان مغفول نمانده است.

۳-۲-۱ جبران خسارات معنوی بزه دیده

بر خلاف بسیاری از جرایم که موجب ورود خسارت مادی به زیان دیده می‌شوند، در جرایم جنسی کمتر میتوان آسیب‌های مادی را شاهد بود، اما در مقابل آسیب معنوی مهمترین و شاید سخت‌ترین آسیبی باشد که به مجنی‌علی وارد می‌آید. این آسیب در موارد زنا و لواط به عنف و اکراه و یا در حکم آن، نمود و ظهور بسیار شدیدی دارد. قانونگذار باتصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۱۴ آن قانون زیان معنوی را قابل مطالبه دانست و زیان معنوی را به صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخص، خانوادگی یا اجتماعی تعریف نموده است. حکم به الزام مرتکب به عذرخواهی از مجنی‌علیه یا درج حکم در جرایم و طرق دیگری از این قبیل در کنار جبران خسارت مادی، راهی برای تسکین آلام زیان دیده و متضرر از جرم و ترمیم آسیب‌های وارده بر او است که جلوه‌های رویکرد ترمیمی در سیاست کیفری کشورمان را نمایان می‌سازد.

۳-۲-۲ محدودیت در اعمال نهاد های ارفاقی

مواردی از جرایم جنسی وجود دارند که در کنار نقض دستورات شرعی و قانونی موجب تضییع حقوق اشخاص نیز شده‌اند. در چنین فرضی که جرم موجب آسیب به غیر و ورود زیان به فردی شود، حق الناس موجب محدودیتهایی در این اصول و تأکیدات ارفاقی - اصلاحی می‌گردد و آنجا که حقوق اشخاص در میان باشد، تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب تکلیف است.

موارد احتمال رتکاب جرایم منافی عفت به عنف یا در حکم آن، بحکم ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مستثنی از قاعده ممنوعیت تحقیق و بازجویی در جرایم منافی عفت هستند.

بنا به تبصره ۲ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد با توبه مرتکب مجازات حدی ساقط اما مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هردوی آنها محکوم می‌شود.

آنچنانکه بیان شد در توبه علاوه بر ادعای مرتکب باید اظهار ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، اقدام در جهت کسب رضایت مجنی‌علیه و جبران خسارات او از جمله قراینی است که موجب احراز مراتب اصلاح مرتکب و پذیرش توبه او در نزد قاضی خواهد شد.



بنا به تبصره ۲ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی در زنا ولواط هرگاه جرم به عنف، اکراه یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد با توبه مرتکب مجازات حدی ساقط اما مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هردوی آنها محکوم می شود .

آنچنانکه بیان شد در توبه علاوه بر ادعای مرتکب باید اظهار ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، اقدام در جهت کسب رضایت مجنی علیه و جبران خسارات او از جمله قراینی است که موجب احراز مراتب اصلاح مرتکب و پذیرش توبه او در نزد قاضی خواهد شد . بنا به تبصره ۲ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی در زنا ولواط هرگاه جرم به عنف، اکراه یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد با توبه مرتکب مجازات حدی ساقط اما مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هردوی آنها محکوم می شود .

نتیجه

جرایم جنسی باتوجه به ماهیت و ویژگی هایی که این گروه از جرایم دارند از حساسیت و توجه ویژه ای برخوردارند . سیاست کیفری ، کشورما در مقابله با جرم جنسی سیاست کیفرمدار و سزاگرا است .

با وجود سیطره و تسلط رویکرد سزادهنده در سیاست های تقنینی اما استفاده از توان و ظرفیتهای دیگر رویکردهای کاربردی در عدالت کیفری از جمله رویکردهای اصلاحی و درمانی و ترمیمی از نظر سیاست گذاران کیفری دور نمانده است . هرآنقدر که در اعمال و اجرای مجازات های حدی سخت گیری و شدت عمل وجود دارد در مقابل رأفت و عطفوت اسلامی و توجه به وضعیت بزهدار و شرایط و اوضاع و احوالی که جرم را مرتکب شده نیز به همان مقدار گستردگی دارد . در حقوق جزای اسلامی بیش از آن که هدف کشف جرم جنسی و افشای آن و مجازات مرتکب باشد ، تلاش بر ستر و بزه پوشانی است و حتی احکام شرعی بر لزوم منع مرتکب از اقرار به جرم حکایت دارد . وضع نهادهای ارفاقی همچون قاعده درأ و عدم اثبات جرم و رفع مجازات مرتکب در اثر اندک شبهه و تردید، پذیرش توبه و امکان عفو مرتکب توسط حاکم از جمله مواردی است که می توان به عنوان سیاست های اصلاحی قانونگذار اسلامی در برخورد با جرایم جنسی دانست. سخت گیری در ادله اثبات حدود و تقبیید آن دلایل به شروط مختلف گویای این واقعیت است که قانونگذار هرگز به دنبال اثبات و احراز جرم حدی بویپه جرایم مخالف عفت عمومی نیست و به این طریق سعی در منع اشاعه فحشاء دارد .

مقررات جزایی ما نیز که برگرفته از آموزه های شرعی است اخیراً با تصویب دو قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری حکایت از سوق سیاست های کیفری به رویکرد اصلاح و درمان دارد . بنظر می رسد سیاست جنایی کشورمان در جرایم جنسی صرفاً در برخورد کیفری از سیاست جنایی اسلام بهره برده است و دیگر سیاست های دین مبین مغفول مانده است . اسلام در عین آنکه رویکرد سخت گیرانه به جرایم جنسی دارد ، سیاست های بازدارنده در جرایم جنسی را هم مدنظر قرارداده است . تأکید به ازدواج اعم دائم و موقت ، تقویت باورهای دینی ، آسان سازی ازدواج جوانان از جمله این سیاست ها است که در جامعه ما در حال حاضر باتوجه به مشکلات مالی و اقتصادی این مهم کمتر مورد توجه و عمل است .

منابع:

- ۱- جوانمرد، بهروز، تسامح صفر:سیاست کیفری سخت گیرانه در قبال جرایم خرد،تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
- ۲-خالقی ، علی ، نکته ها در قانون آئین دادرسی کیفری، چاپ دوم ، تهران ، شهردانش، ۱۳۹۳ .
- ۳-دلماش ، مارتی ، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، علی حسین نجفی ابرند آبادی،جلد اول،تهران ، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- ۴-قیاسی، جلال الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۵.
- ۵-طاهری ، سمانه ، سیاست کیفری سخت گیرانه ، تهران،بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
- ۶-محمدی جورکویه ، علی ، سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی، حقوق اسلامی ، سال هفتم ، شماره ۲۴ ، ۱۳۸۹.
- ۷-نجفی ابرند آبادی ، حسین ، تاریخ تحولات کیفری (کلیات سیاست جنایی) - تقریرات ، تهران، دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۷۸.
- ۸- ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید ، دانشنامه جرمشناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰
- ۹- نوبهار ، رحیم ، اهداف مجازاتها در جرایم جنسی ، چاپ اول ، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ .